

دوفصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: Y۴N۵۱۲۴۸۸۲ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

مجازات های جایگزین حبس با تاکید بر قانون کاهش مجازات حبس

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۳/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۸/۱۲)

کبری مجیدی انامق^۱

دانشجوی گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تسوج، ایران

دکتر تقی یعقوبی

دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی پردیس بین المللی دانشگاه تهران، قاضی دادگستری، مدرس دانشگاه آزاد

اسلامی تسوج، ایران

چکیده

قانونگذار باتصویب قانونی تحت عنوان قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ایرادات وارده بر قانون مجازات را کاهش و تناسب بین جرم و مجازات را برقرار سازد. مسئله اصلی در توجیه این طرح، به مواردی از جمله نامتناسب بودن جرایم و مجازاتها، کاهش جمعیت کیفری زندان، کاهش هزینه های عمومی وعدم سابقه مجازات حبس در عصر پیامبر اسلام (ص) اشاره شد. در نتیجه شاید بهتر بود قانونگذار به جای خالی کردن جنبه بازدارنده مجازاتهای تعزیری، از طریق کاهش ضمانت اجرا، به اصلاحاتی در سیستم اجتهاد قضایی در مجازاتهای تعزیری متکی می شد، چرا که به نظر می رسد نظام مند کردن شیوه انتخاب نوع و میزان واکنش نسبت به جرائم تعزیری امر مهمی است که بستر آن در کشور ما فراهم نشده است. بنابراین بهتر بود در یک اقدام سنجیده اقدام به تصویب قانونی مناسب می کرد که تالی فاسد آن گریبان گیر مردم نگردد.

واژگان کلیدی: جایگزین حبس، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، جرم،

کاهش جمعیت کیفری، زندان

^۱نویسنده مسئول Majidi.۹۲.۱۳۷۵@gmail.com

مقدمه

امروزه مجازات حبس در اغلب کشور های جهان به عنوان مجازات اصلی با هدف اصلاح و درمان و باز اجتماعی کردن بزهکاران اعمال می شود. این مجازات در موارد اندکی توانست اهداف اصلاحی و بازپذیری مجازات ها را برآورده نماید، ولی در اغلب موارد موفق نبود. سیر صعودی امار زندانیان و عدم استفاده قضات از مقررات تعویق و تعلیق و جایگزین حبس و... قانونگذاران ایران را بران داشت تا سیاست های نوینی را جهت کنترل و کاهش جمعیت کیفری زندان ها اتخاذ کنند. در همین راستا در آخرین روز های فعالیت مجلس دهم در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹ «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری» در ۱۵ ماده به تصویب رسید. قانونگذار ایران قطعاً به این نتیجه رسیده است که حبس های تعزیری در قوانین ما بسیار گسترده و زیاد هستند و قطعاً این موضوع را مد نظر قرار داده که قانون خفیفی که قطعاً اجرا شود بهتر است از قانون سنگین که گاهی اجرا شوند و به عبارتی بهتر است از قانون جزا به عنوان یک مترسک برای ترساندن مجرمان بالقوه و بالفعل استفاده نشود، در واقع با نا کار آمد بودن مجازات سالب آزادی (حبس) و شکست نظریه اصلاح و درمان از علت های اصلی کاهش و تقلیل مجازات حبس تعزیری و روی آوردن قانونگذار به مجازات های جایگزین حبس است. در اصل نگاه قانونگذار در این بخش به کثرت پرونده ها، اهمیت جرائم، تعداد زندانیان، و عدم تناسب میزان حبس در قانون با بزه ارتكابی معطوف بوده است و با این رویکرد شاهد اتخاذ سیاست جنایی متضمن تدابیر کیفری و غیر کیفری در کاهش جمعیت کیفری هستیم.

در بخش نخست مقاله با تعریف اصطلاحات سعی شده است تا مفهوم مجازات جایگزین حبس، جایگزین تقنینی، جایگزین قضایی، تعزیر و مجازات تعزیری مشخص شود.

در بخش دوم مقاله حاضر، سعی بر این بوده است تا بستر های تولد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و نوآوری های قانون کاهش حبس تعزیری نسبت به مجازات های جایگزین حبس مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند

در بخش سوم تحقیق موانع و راهکار های رفع موانع مجازات های جایگزین



حبس مورد تحلیل واقع شده اند.

بخش اول: مبانی مفهومی

برای اینکه مقصودمان در این تحقیق روشن تر باشد لازم است تا مفهوم چند اصطلاح را مشخص سازیم که به شرح زیر مفاهیم مذکور تبیین میشود.

بند اول: مفهوم مجازات جایگزین حبس

نویسندگان تعاریف گوناگونی را از اصطلاح «مجازات جایگزین حبس» ارائه داده اند که برای مثال به برخی از آنها اشاره خواهیم داشت: «کیفر های اجتماعی یا مجازاتهای جایگزین حبس که به کیفر هایی بینابین تعبیر شده اند و در میان کیفر حبس و تعلیق مراقبتی قرار دارند، کیفر هایی هستند که به جای زندان توسط قاضی مورد حکم قرار می گیرند و به این ترتیب جایگزین زندان شده و مانع ورود افراد به ندامتگاه می شوند» (بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۴: ۲-۳۴) یا «مجازاتهای جایگزین حبس در حقیقت مجازاتهای اجتماعی هستند که می توانند با ایجاد و توسعه احساس مسئولیت، تعلق باور، تعهد و وابستگی در مجرم وی را برای بازگشت به اجتماع مهیا سازند و ارزش های اجتماعی را در وجود وی نهادینه سازند». (دفتر مطالعات حقوقی پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۱)

در حقوق موضوعه ایران، مصادیق مجازات های جایگزین حبس فقط به موارد منصوص در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی (دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی) و مواد ۸۸ و به ویژه ۸۹ در خصوص نوجوانان^۱ یعنی افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی که دارای مسئولیت کیفری هستند (مانند جزای نقدی، خدمات عمومی رایگان و اقامت در منزل) محدود می شود. به عقیده نگارندگان، مصادیق اعلامی به عنوان مجازاتهای جایگزین حبس در مقرر قانونی فوق الذکر جنبه حصری دارند، لکن برخی استادان حقوق معتقدند: «...ثانیا مصادیق مجازاتهای جایگزین حبس در ماده ۶۴ تمثیلی به نظر می رسد و دادگاه می تواند در شرایط و اوضاع و احوال

۱ در حقوق ایران، مستنبت از مواد ۱۴۶ تا ۱۴۸ و مواد ۸۸ تا ۹۱ قانون مجازات اسلامی و نیز بند «ب» ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، نوجوان به شخص بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی (دختر ۹ سال تمام قمری تا ۱۸ سال تمام شمسی و پسر ۱۵ سال تمام قمری تا ۱۸ سال تمام شمسی) گفته می شود.



خاص، مصداق های دیگری غیر از مواردی که در این ماده احصا شده را به عنوان جایگزین مجازاتهای حبس مقرر در حکم بنماید». (ولیدی، ۱۳۹۳: ۱۳۸)

بند دوم: مفهوم جایگزین تقنینی

در جایگزینی به این مفهوم، قانونگذار با در نظر گرفتن سیاست جنایی یک کشور و نیز با استفاده از آموزه های کیفر شناسی به ویژه در مورد کیفر حبس که معایب و آثار زیان بار این کیفر امروزه به وضوح آشکار شده است و انتقاد هایی دانسته به این مجازات ارایه کرده اند راه حل ها و شیوه هایی (کیفر هایی) را به عنوان جایگزین کیفر حبس با در نظر گرفتن ملاک هایی از قبیل شدت و اهمیت جرم ارتكابی و ویژگی های فردی و شخصیتی مجرم قبل، حین یا بعد از ارتكاب جرم و... پیش بینی می کند که به این عمل قانونگذار، سیاست جایگزینی تقنینی کیفر حبس می گویند. اگرچه انتخاب و وضع روش های جایگزینی قضایی نیز در حقیقت به اختیار قانون گذار است اما فرقیشان در این است که در جایگزینی تقنینی قاضی مکلف به جایگزین کردن کیفری به جای کیفر حبس می باشد (مراد قلی، ۱۳۹۲: ۲۱) در جایگزینی قضایی، قانونگذار ضمن ابقاء کیفر حبس به قاضی اختیار می دهد تا در صورت احراز شرایط و رعایت اصل فردی کردن مجازاتها اقدام به جایگزین کردن کیفری به جای حبس نماید.

بند سوم: مفهوم جایگزین قضایی

مفهوم جایگزین های قضایی در واقع همان مفهومی است که ژان پی ناتل از آن تحت عنوان «تناوب های کیفر های کوتاه مدت زندان» یاد می نماید. جایگزینی قضایی یعنی اینکه دادگاه ها (قضات) در مرحله تعیین مجازات با در نظر گرفتن نوع و میزان شدت و خطر ناکی جرم ارتكابی و اوضاع و احوال اجتماعی ارتكاب جرم و پیشینه و خطر ناکی مجرم، اختیار پیش بینی جایگزین هایی را به جای صدور حکم حبس داشته باشند (همان)

بند چهارم: مفهوم مجازات تعزیری

تعزیر در حقوق کیفری ایران عبارت از مجازاتی است مادون حد شرعی، به عبارت دیگر تعزیر، کیفری است برای جرائمی غیر از انهایی که در حقوق جزای اسلام برایشان حد، قصاص و دیه در نظر گرفته شده است. تعزیر در لغت به



معنای تعظیم، تادیب، نصرت و منع می باشد. در سوره مائده آیه ۱۲ «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ...:خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت. و از آنها، دوازده نقیب (سرپرست) برانگیختیم. و خداوند (به آنها) گفت: «من با شما هستم! اگر نماز را برپا دارید، و زکات را پردازید، و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید، و به خدا قرض الحسنه بدهید...» (قران کریم) عزرتموهم از ماده "تعزیر" بمعنی منع کردن و یاری نمودن است، اگر به پاره ای از مجازاتهای اسلامی تعزیر گفته می شود به خاطر آن است که بوسیله آن در حقیقت کمکی به گناهکاران شده و از گناه باز داشته شده اند و این نشان می دهد که مجازاتهای اسلامی جنبه انتقامی ندارد بلکه جنبه تربیتی دارد و لذا نام آن هم "تعزیر" گذاشته شده است. این دسته از جرائم، خود قانون گذار اقدام به تعیین مجازات می کند.

بخش دوم: بستر های تولد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

به دنبال ایرادات وارده بر به مجازات حبس، نحوه اجرای آن و خسارت مادی و معنوی که در دوران تحمل حبس و پس از آن به شخص محکوم، جامعه و حاکمیت وارد آمد، مجلس پیشین بر آن شد تا با تصویب قانونی از اثرات مخرب این مجازات شایع کاسته باشد.، به صورت مجزا تحت عناوین (۱) بستر های قانونی (۲) بستر های سیاسی، اقتصادی (۳) بستر های اجتماعی (۴) بستر های قضایی، مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم.

بند اول: بستر های قانونی

اصولا قانون اساسی هر کشور روح حاکم بر ارزش های مذهبی، عرفی و حاکمیتی آن تلقی می گردد و دیگر قوانین می بایست در راستای قانون اساسی تصویب و تبویب گردند. نمایندگان مجلس نیز با تقدیم طرحی خواهان تصویب قانونی تحت عنوان قانون کاهش مجازات حبس تعزیری شدند و از جمله مواردی را که برای توجیه آن برشمردند می توان به عدم سابقه مجازات حبس در عصر پیامبر اسلام (ص) و همچنین هزینه بالای زندان ها نام برد. جدای از اصول مرتبط در شرع مقدس در قانون اساسی، که به نظر می رسد بستری در شکل گیری تفکر



کاهش مجازات حبس در سیاست جنایی بوده است، اصول دیگری از قانون اساسی که دولت را مکلف به اعطای محیط مناسب برای همگان کرده است، نمایندگان را بر آن داشت تا با کاهش هزینه های عمومی از طریق کاهش جمعیت کیفری، مبلغ مذکور را صرف دیگر زمینه ها و اهداف مقرر در اصل دوم قانون اساسی بکند، چرا که امروزه به دلیل تحریم های ظالمانه خارجی و سو مدیریت داخلی و همچنین اتکای اقتصاد کشور بر نفت، مشکل اولیه مردم و حاکمیت در پیشبرد اهداف خود مسائل اقتصادی می باشد.

لذا به نظر می رسد وظایف محوله بر دوش دولت در قانون اساسی و ناتوانی در ایفای آنها قانونگذار را به عقب نشینی از پاسخ به برخی جرائم، صرفه جویی در هزینه های عمومی و در نتیجه، صرف ان مبالغ در دیگر مجاری، وا داشته است. بالا بودن هزینه اداره زندانها برای نمایندگان مجلس و دولت از چنان اهمیتی برخوردار بوده که با مطالعه مشروح مذاکرات، ما را به این ظن انداخت که نکند غیر شرعی بودن مجازات حبس، صرفا یک دست اویز در جهت تصویب قانون کاهش و کم کردن هزینه های عمومی باشد!

بخش نوزدهم از برنامه پنج ساله ششم راجع به مسائل حقوقی، قضایی می باشد که عمده بستر سازی آن در رابطه با قانون کاهش مجازات حبس تعزیری را می توان در ماده ۱۱۳ آن یافت. ماده ۱۱۳ برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: «به منظور افزایش دقت و سرعت در ارائه خدمات قضائی، تحقق عدالت قضائی و احیای حقوق عامه، ارتقای کیفیت، کاهش اطاله دادرسی، ایجاد فرصت برابر برای دسترسی احاد مردم به خدمات قضائی، کاهش ورودی پرونده ها و پیشگیری از وقوع جرم و دعاوی و اصلاح مجرمان و کاهش جمعیت کیفری در قسمت ۱۵ از بند (پ) این ماده به سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور اجازه داده شده است که مشارکت و سرمایه گذاری بخش غیر دولتی و عمومی را در حوزه بهره برداری و یا توسعه زیر ساخت های لازم در زمینه های حرفه آموزی، اشتغال حین حبس و پس از آزادی، آموزش، سلامت و درمان، طرح های حمایتی از خانواده زندانیان و کمک به خود کفایی زندانها در قالب انواع مختلف قراردادهای رسمی جلب و یا توسعه



دهد». همانطور که مشخص است در این مقررره که از قوانین بالا دستی نیز محسوب می گردد حکم به حبس را محدود به موارد ضروری نموده اند. بدینگونه که ارتباط مستقیمی بین ظرفیت زندانها با حکم به مجازات حبس وجود دارد. امروزه اهداف مجازاتها همچون گذشته، سزا دهی، ارعاب و ترذیل نمی باشد بلکه سیاست جنایی در کشور های مختلف به سمت عقب نشینی، ایین نامه ای شدن و رقیق کردن حقوق کیفری در حرکت است (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۱۸). مثالی از عقب نشینی حقوق کیفری که رنگ و بوی آن در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری احساس می شود می توان به عقب نشینی دستگاه قضایی و تشکیل سازمان تعزیرات حکومتی در زیر مجموعه قوه مجریه اشاره کرد (مجاب، ۱۳۸۶- ۱۳۸۷: ۷۶). همچنین قبل از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ به موجب مواد ۶۵ الی ۶۹ قانون مجازات اسلامی، جایگزین های حبس را به عنوان یک سیستم ارفاقی توشیح می کرد.

بند دوم: بستر های سیاسی و اقتصادی

مطابق ماده ۱۵۶ و ۱۶۱ ایین نامه داخلی مجلس طرح ها در مواقعی دو فوریتی می شوند که تصویب آنها از لحاظ امکان وقوع خسارت و فوت فرصت مستلزم سرعت فوق العاده باشد. نویسندگان این طرح، با اشراف بر مشکلات زندان، به دنبال کاهش مجازات حبس و استفاده از ظرفیت نهاد های ارفاقی به دنبال کاستن از ازدحام زندانیان بوده اند. به عبارتی از سر ناچاری و اضطرار به تدوین این طرح روی آورده اند اما تسریع در تصویب قانون چالش های فراوانی را رقم زده که صدور نظریه های گوناگون با عنوان بخشنامه^۱ در فاصله بسیار کوتاه از زمان تصویب و لازم الاجرا شدن آن نوید یک بحران دیگر را می دهد. یکی از ابعاد مهم سیاست گذاری جنایی برآورد هزینه های جرم است. بند ت

^۱ از جمله این بخشنامه ها، بخشنامه شماره ۵۷۷۰/۵۰۰/مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۴ معاون حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه است که با مخاطب قرار دادن روسای کل دادگستری های سراسر کشور و روسای سازمان های قضایی استان ها، با طرح ۲۷ ابهام از قانون ۱۵ ماده ای، به دنبال ایجاد رویه واحد و پیشگیری از طرح پرسش های تکراری آمده است. با این اوصاف، قانونی که در ۱۱ تیر ماه ۱۳۹۹ لازم الاجرا شده است، فعلا در ۱۵ تیر ماه ۱۳۹۹ دارای ۲۷ ابهام و ایراد بوده است با این اوصاف باید در انتظار نظریه های مشورتی پیاپی و رای وحدت رویه ای جدید باشیم که همین امر، ثمره یشتاب زدگی در قانون نویسی است.

ماده ۱۱۳ قانون پنج ساله ششم توسعه می باشد که به موجب آن: «سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور مکلف است ضمن اگاهی دادن به مقدمات قضایی در خصوص وضعیت امار زندانیان و فضای آزاد زندان، ظرفیت پذیرش زندانیان را به صورت برخط با رعایت جهات امنیتی در اختیار مقامات قضایی صلاحیت دار قرار دهد، قضات با لحاظ ظرفیت اعلام شده و تناسب قرار تامین، از صدور قرارهای تامین منتهی به بازداشت و یا احکام حبس جز در موارد ضروری، به موجب قوانین مربوط خودداری و با رعایت قوانین مربوط، از تاسیس های جدید کیفری مانند تعلیق تعقیب یا مجازات، تعویق صدور حکم، آزادی مشروط و مجازاتهایی جایگزین حبس استفاده خواهند نمود.» لذا به نظر می رسد که هزینه های بالای زندان و کمبود ظرفیت در زندان ها نه تنها بستری اقتصادی در تولد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تلقی می شوند، بلکه قبل از تصویب این قانون در صورت عدم ظرفیت زندان ها و بازداشتگاه ها، قضات در صدور قرار های منتهی به بازداشت هم می بایست دقت لازم را در نظر می گرفتند. از دیگر مواردی که به پر رنگی بسترهای اقتصادی نسبت به دیگر بستر ها و نقش آن در تولد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تاکید دارد، تمایل قانونگذار به تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی، از طرق مختلف می باشد. این تمایل دولت به ایجاد در امد از ممر جزای نقدی، خود قرینه ای بر عاجز بودن دولت از نگهداری زندانیان می باشد.

بند سوم: بستر های اجتماعی

از جمله برجسته ترین معضلات اجتماعی ناشی از مجازات حبس می توان به مشخص نبودن مجازات حبس و جرم زا بودن محیط زندان اشاره کنیم. مشخص نبودن مجازات حبس: کاهش جمعیت کیفری و قضا زدایی چندین سال است که مراکز سیاستگذاری حقوقی کشور را به خود جلب کرده است. این موضوع در حالی که در کشور مطرح است که اخیرا پرونده آسیب های اجتماعی به عنوان یک اضطرار، باز شده است. بر این اساس مطالعه موازی این دو شاید اهمیت مساله زندانیان و خانواده آنها و تکمیل چرخه اسیبی که به صورت بالقوه در فرایند تولید زندانی وجود دارد را بیش از پیش نمایان کند. اما به نظر می رسد طرح گلایه از مردم عادی به سبب تغییر رفتار آنها زمانی که با زندانی یا خانواده آنها



برخورد می کنند، توقعی گزاف باشد، زیرا بسیار مشاهده شده است که خود دولت هم زمان بکارگیری و استخدام افراد در ادارات و سازمان های دولتی نه تنها عدم سابقه محکومیت کیفر موثر را لازم می داند، بلکه سابقه محکومیت کیفری خانواده محکوم را نیز معیاری در عدم صلاحیت تلقی می کنند.

جرم زا بودن محیط زندان : بسیار بزهکاران اتفاقی بوده اند که با ورود به زندان به بزهکاران حرفه ای تبدیل شده اند و این تاثیر چیزی جز هم نشینی با بزهکاران به عادت نیست، جرم زا بودن محیط زندان و تاثیر بزهکاران به عادت بر بزهکاران اتفاقی که قانونگذار را به استفاده حداقلی از مجازات حبس و تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری وا داشته است.

بند چهارم: بستر های قضایی

سیاست جنایی قضایی در هر کشور به مجموعه تدابیری اطلاق می شود که قوه قضائیه در سطح کلان و قضات دادگستری در سطح خرد تعیین کننده آن هستند. قضات دادگستری با تصمیمات خود در دادگاه ها و دادسراها می توانند بستر لازم را در تصویب یک قانون ایجاد کنند، تا بدان جا که سخن گفتن از جرم زدایی عملی (قضا زدایی) توسط قضات دادگستری امری گزاف نیست.

تورم قوانین کیفری و بحران به وجود آمده ناشی از ان مسئولان عالی و قضایی را بر آن داشته تا ضمن کاهش حجم پرونده ها، از صدور حکم حبس به عنوان معمول ترین پاسخ امروزی به ارتکاب جرم فاصله گرفته و پرونده های مطروحه در دادگستری ها را در صورت امکان به سازش و در غیر اینصورت به سمت استفاده از مجازات جایگزین حبس سوق دهند. این مهم به روشنی از اسناد بالا دستی و پایین دستی قابل برداشت است.

بخش دوم: نوآوری های قانون کاهش مجازات حبس تعزیری نسبت به جایگزین

های حبس

بند اول: افزایش اختیارات محاکم در اعمال تخفیف و تبدیل مجازات حبس

تخفیف یعنی تقلیل میزان مجازات از میزان مجازاتی که قانون تعیین کرده است. لذا تخفیف مجازات یعنی پایین آوردن میزان مجازات از مجازاتی که



قانونگذار معین کرده، وگرنه تخفیف معنی ندارد، بنابراین تعیین حداقل یا حداکثر مجازات سلطنت دارد، یعنی مورد باز خواست قرار نمی گیرد (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۵۳) یکی از ابزارهای مهم سیاست فردی کردن مجازات ها، اعمال کیفیات مخففه است (دادبان، ۱۳۷۹-۱۳۸۰: ۵۳) تبدیل مجازات که از آن به تغییر ماهیت مجازات به مجازات دیگری تعبیر می شود رویکرد اساسی که قانون جدید کاهش حبس های تعزیری در جهت تخفیف مجازات پیش گرفته تبدیل مجازات حبس به سایر مجازات ها و بالاخص جزای نقدی است سابق بر این و مستندا به بند الف ماده ۳۷ ق.م.ا دادگاه مجازات حبس را نمی توانست به مجازات دیگری تبدیل کرده و در مقام تخفیف باید حبس تعیین می کرد ولی در دیگر جرایم تعزیری دادگاه می تواند مجازات مرتکب را از همان نوع تعیین کرده یا به نوعی دیگر تبدیل کند (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۱۵۳) با این تفاسیر و گسترش تبدیل مجازات ها به حبس رویکردی تخفیفی هستند که در قانون اخیر در نظر گرفته شده است در ماده ۶ که اصلاحی ماده ۳۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ هست: امکان تبدیل مجازات حبس درجه ۵ و ۶ به صورت اختیاری به جزای نقدی متناسب با همان درجه و تبدیل اجباری حبس درجه ۷ به جزای نقدی درجه ۷.

* نکات ماده ۳۷ ق.م.ا (مصوب ۱۳۹۹)

۱- در قانون سابق، تمامی فرجام حبس (از هر درجه ای که بودند) صرفا یک تا سه درجه قابل تقلیل بود (بنابراین درباره حبس های درجه یک تا چهار، قانون کنونی مانند قانون قدیم است) اما هم اکنون در مورد حبس های درجه پنج تا هفت احکام تازه ای مقرر شده است و امکان دگرگونی مجازات نیز فراهم شده است.

۲- درباره دیگر فرجام غیر از حبس و انفصال و مصادره کل اموال در قانون قدیم هم یک تا دو درجه قابل تقلیل و هم یک تا دو درجه قابل تبدیل بودند در حالی که در قانون جدید یک تا دو درجه قابل تقلیل هستند اما در مقام تبدیل به مجازاتی از همان درجه یا یک درجه پایین تر هستند. (غفوری، ۱۳۹۹: ۱۱۰)

نکته تبصره ماده مذکور: تا پیش از تصویب این تبصره، در بخش مجازات جایگزین (مواد ۶۵ تا ۶۸) برای اعمال مجازات جایگزین حبس، بیشینه مجازات قانونی



ملاک بود(نه مجازات قضایی) اما هم اکنون تبصره ماده ۳۷ الحاقی، یک استثنا به این امر وارد کرده و تنها در یک مورد مجازات قضایی را ملاک قرار داده است و آن موردی است که مجازات قضایی کمتر از ۹۱ روز حبس (از یک روز تا سه ماه حبس) باشد که در اینصورت حکم به جایگزین حبس الزامی است (صرف نظر از اینکه مجازات قانونی بزهکاری چه اندازه است) وانگهی در مواردی که مجازات قضایی ۹۱ روز حبس یا بیشتر باشد برای برگزیدن مجازات جایگزین به بیشترین مجازات قانونی نگاه می شود. نکته دیگر نیز برخلاف مقررات مواد مربوط به تعدد و تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می تواند با ساز و کار خاصی مجازات مرتکب را تنها تا میانگین حداقل و حداکثر تخفیف دهد (منصور ابادی، ۱۳۹۹: ۳۸۲) و از این جهت تا حد زیادی محدودیت در اعمال تخفیف وجود داشت و در عمل نیز مشکلات زیادی نظیر افزایش جمعیت کیفری زندانها را به همراه داشت، قانونگذار در بند «خ» از ماده ۱۳۴ و ماده ۱۳۹ اصلاحی قانون مجازات اسلامی با اتخاذ رویکردی سنجیده مقرر کرده در صورت وجود جهات تخفیف حسب مورد مطابق مقررات مواد ۳۷ اصلاحی به شرحی که گذشت اقدام می گردد که اختیارات محاکم در اعمال تخفیف مجازات در فرض تعدد و تکرار جرم توسعه یافته است و در صورت استفاده صحیح از این نهاد ضمن رعایت اصل تناسب جرم و مجازات می تواند در تحقق سیاست حبس زدایی موثر و مطلوب ارزیابی شود.

بند دوم: توسعه استفاده از جایگزین حبس در موارد تعدد جرم

به موجب ماده ۷۲ ق.م.ا؛ تعدد جرایم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از یک سال حبس باشد مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است. تعدد مادی جرایم عمدی ناظر بر ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی می باشد، که در صورت تحقق جرایم عمدی چنانچه مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از ۱ سال حبس باشد سبب سلب حق اعمال جایگزین های حبس موضوع ماده ۶۴ ق.م.ا خواهد شد.

به موجب مواد ۱۳۱ و ۱۳۴ و مفهوم مخالف ماده ۱۳۷ ق.م.ا، ۱۳۹۲، اصطلاح «تعدد جرم» را می توان چنین تعریف نمود: «ارتکاب حداقل دو یا چند رفتار



مجرمانه مستقل و مجزا از شخص بدون اینکه یک سابقه محکومیت قطعی حد فاصل میان جرایم وجود داشته باشد.»

بر این اساس، شرایط اعمال ماده ۷۲ مزبور عبارتند از:

- ارتکاب حداقل دو یا چند رفتار مجرمانه ی مستقل و مجزا
- فقدان هر گونه سابقه محکومیت قطعی
- حداقل دو فقره از جرایم ارتكابی عمدی باشند

اما ماده ۶۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ در ارتباط با تکرار جرایم عمدی مقرر می دارد: «مرتکبین جرایم عمدی که حداقل مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی به شرح زیر دارای سابقه محکومیت کیفری باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد: علت ممنوعیت اعمال مجازات های جایگزین حبس در حالت تعدد و تکرار جرایم عمدی، آن است که ارتکاب جرایم عمدی از سوی شخص دلالت بر حالت خطرناکی وی می نماید. خواسته از تعدد جرم موضوع این ماده، تعدد مادی است نه تعدد معنوی؛ و منظور از چند واژه «تعدد جرائم عمدی» در ماده گفته شده، وضعیتی است که هنگام آن ارتکاب بیش از یک بزه عمدی که حداقل مجازات قانونی یکی از آنها بیش از یک سال حبس است، از سوی متهم به وسیله ی دادگاه احراز شده است از این رو دادگاه با لحاظ ماده ی یاد شده نمی تواند در هنگام صدور حکم به محکومیت نسبت به متهم یاد شده از مجازات جایگزین حبس استفاده کند. (مصدق، ۱۳۹۹: ۲۸۱) توسعه استفاده از مجازات های جایگزین حبس در موارد تعدد جرم به دلیل داشتن جنبه ی ترمیمی و جلوگیری از طرد مجرم از جامعه (غلامی، ۱۳۹۵: ۱۱۸) می تواند در زمره امتیازات و محاسن یک قانون گذاری سنجیده با رویکرد حبس زدایی محسوب شود.

بند سوم: محرومیت اجتماعی با عنوان مجازات کشف حجاب در لایحه جدید

تعزیرات

در لایحه جدید تعزیرات (آبان ۱۴۰۱) که توسط معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه تدوین شده است در مقوله کشف حجاب مجازات های جدیدی



تعیین شده است. چندین ماه از کش و قوس مقوله حجاب و برخورد گشت ارشاد می‌گذرد و واکنش‌های اجتماعی متفاوتی به این موضوع وجود داشت. در مواردی که شخص مرتکب به جرم بی‌حجابی دارای سابقه قبلی باشد یا از دادن تعهد و التزام به مقام قضائی خودداری کند، نسبت به پرونده تشکیل شده درباره این جرم رسیدگی قضائی صورت می‌گیرد. قانون‌گذار در این حوزه مجازات‌های جدیدی را به‌عنوان مجازات اصلی تحت عنوان «محرومیت‌های اجتماعی» در ماده ۹ همین لایحه پیش‌بینی کرده است. بر اساس ماده ۹ این لایحه مجازات‌های اجتماعی درجه هشت شامل ایجاد دوره‌های مراقبتی، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، محرومیت‌های استخدای و انتصابی، اقامت اجباری، ممنوعیت خروج از کشور و... به مدت‌های محدود است. نقد مهمی که به این بخش از لایحه مذکور وارد است، مشخص نبودن تعریف حجاب در قانون است. انتظار می‌رفت مقامات تنظیم‌کننده لایحه فوق، تعریف دقیق و جامعی از حجاب، بی‌حجابی و کم‌حجابی برای جلوگیری از برداشت‌های سلیقه‌ای در متن قانون جای می‌دادند. براساس قوانین موضوعه کشور، در مواردی که نصوص قانونی در خصوص تعاریف یا احکامی ساکت باشند، باید به منابع و فتاوی فقہی و شرعی مراجعه کرد. براساس متون فقہی ما، از نواحی اندام بانوان فقط صورت و دست‌ها استثناء از حجاب شده‌اند. اما نقد دیگری که در این حوزه وارد است، میزان پذیرش این بخش از لایحه به‌عنوان قانون از سوی جامعه است. شایان ذکر است که توالی فاسد تصویب قوانینی که مورد پذیرش عرف و جامعه نیست، بسیار زیاد است؛ به نوعی که این قوانین در پروسه اجرا از سوی دستگاه‌های اجرائی با چالش گسترده‌ای مواجه می‌شوند و فضای دو قطبی خاص را در جامعه رواج می‌دهند. طبق گفته سخنگوی شورای نگهبان این لایحه به دلیل وجود ابهامات در تاریخ ۱۴۰۲/۸/۲ دلیل وجود ابهامات به مجلس بازگردانده شده است. پیش از این مجمع تشخیص مصلحت نظام هم مواردی از این لایحه را مغایر با سیاست کلی قانونگذاری دانسته بود.

بند چهارم: صلاحیت دادگاه‌ها

صلاحیت در اصطلاح حقوقی عبارت است از توانایی و شایستگی مرجع قضایی



در رسیدگی به جرم معین که توسط مقنن مشخص می شود (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳: ۱۲۰) قانون کاهش حبس تعزیری تغییری که در این راستا انجام داده است که یک تبصره دیگر به شرح زیر به ماده فوق الذکر الحاق نموده است که بدین شرح است: ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری «چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بند های مقرر در این ماده و سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند و عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می باشد.» اگر دادگاه بدوی بدون ذکر علت، مجازات حبس بیش از حداقل قانونی تعیین کند، صرف نظر از مجازات انتظامی مقرر برای این تخلف در تبصره الحاقی (۱۳۹۹/۲/۲۳) و ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، چنانچه پرونده در دادگاه تجدید نظر مطرح شود، این دادگاه باید حکم بدوی را از این حیث با لحاظ ماده ۴۵۷ قانون ایین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاح کنند. در هر حال تخلف مذکور موجب نقض اساسی دادنامه بدوی نیست و مقررات این تبصره به مجازات شلاق و جزای نقدی تسری ندارد و طبق تصریح قانون صرفاً مربوط به مجازات حبس است. (www.ekhtebarebar.ir)

بند پنجم: تصریح مجازات های تکمیلی و تبعی به جرایم هفت و هشت

تعزیری

گاهی قانونگذار علاوه بر تعیین مجازات اصلی، در خصوص بعضی از جرایم به تبع مجازات اصلی، مجازات دیگری را به بزهکار بار می کند، بدون اینکه نیاز باشد این مجازات در حکم قید شده باشد (برخلاف مجازات اصلی و تکمیلی). و گاهی قانونگذار علاوه بر تعیین مجازات اصلی، مجازات دیگری در تکمیل مجازات اصلی پیش بینی کرده است. اگر قاضی بخواهد مرتکب را علاوه بر مجازات اصلی به مجازات تکمیلی هم محکوم کند باید مجازات تکمیلی را در دادنامه تصریح نماید.

به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۲۳۰۰ مورخ ۹۲/۱۲/۴ اداره کل حقوقی منظور از مجازات های تبعی و یا تکمیلی در ماده ۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب



۱۳۹۲ محرومیت از حقوق اجتماعی به شرح ماده ۲۶ همین قانون است. ماده ۸۷ به دادگاه اختیار داده است ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات های تبعی نیز محکوم نماید که در این صورت حالت مجازات تکمیلی را دارد. ماده ۴ قانون کاهش مجازات های تکمیلی و تبعی را که در مورد جرایم تا درجه شش بود به درجه هفت و هشت نیز تسری داده است. یعنی در قانون مجازات اسلامی مجازات های تبعی و تکمیلی فقط در خصوص جرایم با مجازات های درجات ۱ تا ۶ وجود داشت که در ماده ۴ قانون مذکور درباره جرایم درجات ۷ و ۸ نیز می توان مجازات های تکمیلی و تبعی را اعمال کرد.

بند ششم: الزام به صدور حکم در مجازات های جایگزین حبس در جرایم کیفر حبس کمتر از سه ماه

مقررات قانون بودجه که برخلاف ماده ۸۶ قانون مجازات اسلامی، میزان جزای نقدی جایگزین حبس را افزایش می دهد، مطابق ماده ۸۶ قانون مجازات اسلامی، میزان جزای نقدی جایگزین حبس از یک ریال شروع و در هفتاد و دو میلیون ریال خاتمه می یابد (یعقوبی، ۱۳۹۷: ۲۳۴) مقنن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مزبور صراحتاً بند «۱» ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت را نسخ نموده بود، در سالهای اخیر این ابهام به وجود آمد که حکم قانون وصول برخی درآمدهای دولت همچنان دارای اعتبار بوده و در موارد مقرر بدون توجه به الزام مقنن مبنی بر صدور حکم جایگزین حبس کماکان قضات حکم به جزای نقدی صادر مینمودند. به موجب حکم مندرج در جزء «۲» از ردیف (۲۷) جدول (۱۶) لایحه بودجه، «در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از نود و یک روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی یا مجازات جایگزین حبس باشد»، مجازات مزبور به جزای نقدی از ۳۳۰۰۰۰۰۰ تا ۳۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال تعیین میگردد. بر این اساس، قضات محاکم مکلفند در خصوص موارد مزبور از جمله در مورد جرائم مستوجب مجازات جایگزین حبس صرفاً مبادرت به صدور حکم به پرداخت جزای نقدی نمایند. حال آنکه، با تبدیل اجباری این کیفرها به جزای نقدی به میزان مندرج در لایحه بودجه، مجازات های جایگزین حبس از اثر می افتد



و ماده (۶۵) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که مقرر میدارد: «مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم میگردند» بلا اثر میشود؛ زیرا براساس آن ماده، حبسهای زیر سه ماه در هر حال باید به صورت اجباری به مجازات جایگزین حبس تبدیل شود. درحالی که مقرر فوق الذکر در لایحه بودجه مبین این امر است که قضات صرفاً میتوانند نسبت به صدور جزای نقدی و نه جایگزینهای حبس اقدام نمایند. (عظیمی و خانعلی پور و اجارگاه، ۱۴۰۱: ۲)

بخش سوم: موانع اجرای جایگزین های حبس

بند اول: موانع فرهنگی

طراحی و تدوین و گذر از مراحل تصویب قانون یک روی سکه ی کیفرهای اجتماعی است و روی دیگر آن فرهنگ عمومی کشور، ویژگیهای مردم شناسانه ی مردم، خصیصه های ملی، ذهنیتهای و نگرشهای تاریخی مردم به بزه، قانونشکنی و کژمداری دستگاه عدالت و کیفرهاست. (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۴: ۱۶)

قضات نقش عمده ای در اعمال مجازات جایگزین حبس دارند به گونه ای که اگر کاملترین و جامعترین قانون مدون در اختیار عاملین بی تدبیر قرار گیرد، امکان اجرا و بهره برداری صحیح و مطلوب از قانون متصور نخواهد بود و خود، سبب ناهنجاریهای دیگری در اجتماع میگردد. (بختیاری، شهری، مظفری، حمیدیان، ۱۳۸۱: ۲۹) قضات سنت گرا طرفدار اعمال مجازات سخت و خشن هستند و در مقابل آنان، نواندیشان حقوق که طرفدار اجرای کیفرهای اجتماعی هستند؛ قرار دارند و از آنجاکه این سنت گرایان در اکثریت اند این خود در اجرا مشکل را دو چندان میکند. (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۴: ۱۶) از جمله عوامل خاص موثر بر حبس گرایی قضات فقدان سازمان مراقبت خارج از زندان، اعتقاد به بی تاثیری جایگزین های حبس، نبودن ساز و کار های اجرایی برخی جایگزین ها می باشد (یعقوبی، میرخلیلی، ۱۳۹۶: ۱۰۷-۱۱۰) از دلایل نگرشهای حبس گرایانه قضات کشور، اطمینان نداشتن آنها به سودمند بودن مجازات جایگزین حبس است. در پاره ای موارد قضات به علت آموزشهای خاصی که در رابطه با مجازات سالب آزادی در دانشگاهها یا حوزه ها دیده اند و ارزش و اعتباری



که برای مجازات خشن یا سالب آزادی قائل اند، اطمینانی به سودمند بودن و اثربخشی مجازات جایگزین ندارند (آشوری، ۱۳۸۲: ۴۷) به عبارتی اطمینان به بازدهی مجازات حبس همچنان در میان قضات پابرجاست اما به نتایج مجازات جایگزین حبس اطمینان چندانی ندارند؛ که این خود سبب میشود تا قضات به اعمال این گونه مجازات تمایلی نشان نداده و در نتیجه مجازات جایگزین کمتر به کار برده شود. یکی از علل صدور احکام حبس، نشأت گرفته از عقاید مردم است؛ زیرا توده ی مردم اغلب تمایل به کیفرهای سخت و خشن دارند و حبس را برای مجرم ضروری میدانند؛ از این رو دادگاه ها نیز تحت تأثیر همین عامل به حبس هرچه بیشتر محکومان مبادرت می ورزند (آشوری، ۱۳۸۲: ۴۸). لذا نگرشهای مجازات گرایانه ی مردم و از میان مجازات، تفکرات حبس محور آنها سبب عدم پذیرش یا پذیرش کمتر مجازات جایگزین حبس میشود (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۴: ۲۷) در جامعه ما، مردم نسبت به مجازات جایگزین حبس و برتری آن نسبت به مجازات حبس آگاهی کافی ندارند و این مجازات را نمیشناسند و این عدم آگاهی برای تمام مصادیق مجازات جایگزین حبس وجود دارد. در صورتی که هنگامی که نام مجازات بر زبان می آید، مجازات حبس اولین مجازاتی است که در ذهن همه افراد تداعی می شود و این ناشی از شناخت کامل مجازات حبس است که سبب میشود نگرش افراد نیز حبس محور شود؛ این خود سبب مانعی بر سر راه اجرای مجازات جایگزین حبس است.

بند دوم: موانع اقتصادی

کاربرد اقتصاد برای تدوین قوانین و مقرراتی که از نظر اقتصادی کارا باشند و همچنین برای پیشبینی قوانین و مقرراتی در رابطه با حقوق جزا که در آینده تدوین خواهد شد استفاده میشود (فریدمن، ۱۳۸۰: ۴۳) در این که زندان توانسته است در اصلاح مجرمین نقش مهمی داشته باشد شکی نیست؛ چرا که بیش از آن که مشکلات اخلاقی، اجتماعی، روانی و اقتصادی مجرمین را حل نماید همچنان بر آن افزوده است (تدین، ۱۳۸۷: ص ۵۶). در نتیجه میتوان گفت که حذف و یا کم کردن مجازات زندان و جایگزین کردن مجازات دیگر به جای آن، به مراتب در طول زمان، مشکلات این چنینی را کاهش میدهد. مجازات جایگزین



حبس، با وجودی که از نظر اقتصادی مقرون به صرفه هستند و در مواردی برای دولت منافع اقتصادی به همراه دارند اما باز هم همواره با مشکلات اقتصادی از قبیل معضل بیکاری، مشکل مسکن، نقصان ارگان های قضایی، هزینه کردن جهت افزایش تعداد کارمندان لایق و مناسب و فقدان سرمایه گذاری در مجازات جایگزین حبس و از مشکلات دیگر وارد کردن تجهیزات و تکنولوژی مجازات جایگزین حبس از کشورهای توسعه یافته این عمل خود مانع بزرگ اقتصادی بر سر راه توسعه اقتصادی است، چرا که تکنولوژی اگر درانزو باشد کشوری را به توسعه اقتصادی میرساند نه تکنولوژی وارداتی (توانایان فرد، بی تا: ۵)

بند سوم: موانع سیاسی

سیاست را بیشتر به معنای چگونگی از میدان به در بردن رقبا و مخالفان میدانند تا به معنای چگونگی جلب همکاری و ایجاد آشتی و سازش برای حسن اداره امور جامعه و این نگرش به این دلیل است که فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، در معرض گرایش های نوین قرار نگرفته و تحول نیافته است (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۲۳) این اندیشه وجود دارد که مجازات حبس از طریق نگهداشتن مجرمان در زندان، نظم و امنیت بیشتری را در جامعه حاکم میکند و برای آنها قدرت بیشتری به همراه می آورد؛ به همین دلیل نسبت به مجازات جایگزین حبس که سبب میشود مجرمان در جامعه آزاد و رها باشند نگرشی منفی دارند. اگر هیات حاکمه و افراد جامعه باور کنند و به این درجه از پذیرش برسند که مجازات جایگزین حبس، برخلاف مجازات حبس که کینه توزی عدوات نسبت به دولت و افراد را به دنبال دارد، سبب همکاری و صلح و سازش بیشتری خواهد شد؛ در این صورت منتظر نماینده یا مجری قانونی میشوند تا آن شخص در اجرای قانون و مجازات، نگرش مثبتی نسبت به مجازات جایگزین حبس داشته باشد.

نتیجه گیری

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ که با هدف تقلیل مجازات حبس های تعزیری پا به عرصه حضور گذاشت در عمل با رسالت خویش فاصله گرفت، توضیح آن که این قانون در بسیاری از موارد به کاهش مجازات حبس تعزیری اکتفا نکرده، بلکه مجازات حبس را به کلی حذف کرده و یا عجیب تر از آن



که در مواردی اقدام قانونگذار مخالف روح حاکم بر آن قانون و اقدامی تشدیدي بود که اعمال مجازات تکمیلی راجع به جرائم تعزیری درجه هفت و هشت نمونه ای از آن است. مطابق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ در مجازات جایگزین حبس در همه موارد مجازات قانونی ملاک است به جز مواردی که مجازات قضایی کمتر از ۹۱ روز باشد که در این صورت مجازات قضایی ملاک خواهد بود و حکم به جایگزین حبس الزامی است و طبق ماده ۷۲ در تعدد جرایم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از یک سال حبس باشد مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است. ماده ی ۷۱ و ۷۲ قانون مجازات اسلامی مقدم بر تبصره الحاقی به ماده ۳۷ می باشد در این موارد شاهد توسعه تخفیف مجازات می باشیم که از مزیت های قانون کاهش است.

تداوم رویه سابق در لایحه بودجه مبنی بر الزام به صدور حکم به جزای نقدی در موارد مذکور با حکم اخیر مقنن در قانون کاهش حبس تعزیری مغایرت آشکار دارد و مجدداً ابهامات سابق در خصوص عدم امکان صدور حکم به مجازات جایگزین حبس در جرائم مستوجب کیفر کمتر از سه ماه را به وجود می آورد.

با توجه به نتایج این تحقیق از جمله موانع اصلی برای اجرای مجازات جایگزین می توان به موانع فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اشاره کرد که برای رفع این موانع باید به امنیت مردم در جامعه توجه شود. در نتیجه به نظر میرسد که برای برقرار کردن امنیت مردم در جامعه میتوان از وجود مجازات جایگزین حبس نیز بهره جست؛ یعنی اگر در جامعه ای در مقابل جرایم سبک، مجازات جایگزین حبس اعمال و اجرا و در مقابل جرایم سنگین مجازات حبس و خشن اعمال و اجرا گردد؛ چندان امنیت جامعه به هم نریخته و بیم ناامنی برای مردم جامعه به وجود نمی آید و ترس از به مخاطره افتادن امنیت دیگر وجود نخواهد داشت.

در عمل به مجازات کشف حجاب در لایحه جدید تعزیرات طبق پرونده های مطالعه قرار گرفته شده تناسب جرم و مجازات در دادگاه ها رعایت نمی شود که ان اثرات سویی در جامعه ایجاد می کند امید است با بررسی های بیشتر در این زمینه شاهد تغییر در این لایحه باشیم که با اهداف کیفری هم سو است. باتوجه به اینکه کتاب پنجم تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ بوده و با توجه



به زمان مذکور، نیاز به بازبینی داشته، لکن به نظر می‌رسد قانون کاهش مجازات اقدامی سریع و عجولانه بوده است و جا داشت تا با بررسی بیشتری نسبت به موضوع آن اقدام گردد. قانون مذکور با توجه به وضع قوانینی که به نفع متهم بوده و مدت حبس را کاهش داده باعث کاهش جمعیت کیفری ایران می‌گردد، لکن از طرفی با توجه به کاهش قدرت بازدارندگی و ارباب مجازات‌ها و عدم بهره‌گیری از مسائل روان‌شناختی و جرم‌شناسی، به نظر باعث افزایش جرم در جامعه می‌گردد.



منابع و مأخذ

قران کریم

الف) منابع فارسی

- ۱- آشوری محمد، ۱۳۸۲، جایگزین های زندان یا مجازات بینابین، چاپ اول، نشر گرایش، تهران
- ۲- بختیاری، سید مرتضی؛ شهری، غلامرضا؛ مظفری، احمد؛ حمیدیان، حسن، ۱۳۸۱، واریسی جایگزین های مجازات زندان، مجله حقوقی دادگستری، ش ۳۸
- ۳- تدین، عباس، ۱۳۸۷، نظارت الکترونیکی، نشریه حقوقی دادگستری، ش ۶۴
- ۴- توانایان فرد، حسن، (بی تا)، موانع پیشرفت اقتصادی در کشور های جهان سوم، چاپ اول، انتشارات حامد
- ۵- جعفری، مجتبی، ۱۳۹۲، جامعه شناسی حقوق کیفری، رویکردی انتقادی به حقوق کیفری، چاپ اول، تهران: نشر میزان
- ۶- دادبان، حسن، تقریرات درس حقوق جزای عمومی، نیمسال دوم ۸۰-۱۳۷۹، دانشگاه تهران
- ۷- دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲، سیاست تقنینی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حبس زدایی در قانون جدید مجازات اسلامی، تهران، www.maglis.ir
- ۸- عظیمی، میثم؛ خانعلی پور و اجارگاه، سکینه؛ حکیم جواد، احمد، ۱۴۰۱/۱۱/۱۰، بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور (۴۰): تعرفه های خدمات قضایی (تعدیل میزان جزای نقدی) موضوع جدول شماره ۱۶ ردیف (۲۷)، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، دوره یازدهم - سال سوم
- ۹- غفوری، احمد، ۱۳۹۹، تقریرات درس قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹
- ۱۰- غلامی، حسین، ۱۳۹۵، ازدحام در زندان، چاپ اول، نشر میزان، تهران
- ۱۱- فریدمن، دیوید، ۱۳۸۰، حقوق و اقتصاد، مجله اقتصادی، ترجمه پیمان شادفر، ش ۲، ص ۴۰
- ۱۲- گلدوست جویباری، رجبعلی، ۱۳۹۳، ایین دادرسی کیفری، تهران، جنگل



- ۱۳- گودرزی بروجردی، محمد رضا؛ مقدادی، لیلا، ۱۳۸۴، کیفر شناسی نوین یا کیفر های اجتماعی (تجربه ایران و دنیای معاصر)، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران
- ۱۴- مجاب، موسی، ۱۳۸۶-۱۳۸۷، جامعه شناسی جنایی (نگرش بر نظریه های جرم شناسی)، جزوه تقریری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم
- ۱۵- مراد قلی، سعید، ۱۳۹۲، بررسی فقهی مجازاتهای جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲، پایان نامه دانشگاه شهید باهنر کرمان دانشکده الهیات، کارشناسی ارشد
- ۱۶- مسعود نیا، حسین؛ نجفی، داوود، ۱۳۹۰، احزاب و توسعه سیاسی در ایران؛ چالش ها و راهکار ها، مجله پژوهش های سیاسی، ش ۲
- ۱۷- مصدق، محمد، ۱۳۹۹، بایسته های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳، تهران، پژوهاک عدالت
- ۱۸- منصور ابادی، عباس، ۱۳۹۹، مختصر حقوق جزای عمومی، چاپ اول، نشر میزان
- ۱۹- ولیدی، محمد صالح، ۱۳۹۳، شرح بایسته های قانون مجازات اسلامی (در مقایسه و تطبیق با قانون سابق)، چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل
- ۲۰- یعقوبی، تقی؛ میر خلیلی، سید محمود، بهار ۱۳۹۶، بررسی عوامل قضایی افزایش جمعیت کیفری زندان ها، فصل نامه راهبرد، سال ۲۶، ش ۸۲
- ۲۱- یعقوبی، تقی، خرداد ۱۳۹۷، عوامل تقنینی افزایش جمعیت زندان در پرتو سیاست جنایی ایران، پایان نامه دانشگاه پردیس بین المللی ارس، رساله دکتری